

مدیرکل تأمین اجتماعی غرب تهران در گفت و گو با «ایران» اعلام کرد

## حذف بیمه ۲۲ هزار کارگر نما از بخش ساختمانی



در ساز و کار جدید سازمان تأمین اجتماعی و با بهره‌مندی از برنامه‌های همپوشانی بیمه‌ای و برگزاری نشست‌های مشترک با انجمن‌های صنفی کارگران در خصوص بررسی صحت اشتغال به کار، از حدود ۴۰ هزار بیمه شده به رقمی معادل ۱۸ هزار نفر رسیدیم. در واقع باقی این افراد خارج از سازوکارهای بیمه‌ای بودند و در بین آنها مشاغل متعددی وجود داشت که ربطی به کارگران ساختمانی نداشت



منظره نشست دست جمع کارگران ساختمانی در میادین پرتردد و چهارراه‌های شهرهای بزرگ برای هر کسی آشناست. کارگرانی که از ساعات اولیه صبح ساک به دست کنار خیابان ساعت‌ها منتظر می‌ایستند تا فردی به‌عنوان کارفرما، دنبال آنها آمده و یک یا چند روزی را به کار مشغول شوند. دستمزد روزانه این کارگران که بیشتر به‌کارهای ساختمانی مشغول هستند، حدود ۶۰ تا ۸۰ هزار تومان است که با توجه به گرانی‌ها و تورم این چند سال اخیر رقم بسیار ناچیزی است. این در حالی است که بسیاری از این افراد حتی بیمه هم نیستند و نمی‌توانند از تسهیلات درمانی و بازنشستگی استفاده کنند. در این میان برخی افراد سودجوی نیز به دلیل سوءاستفاده از تسهیلات بیمه‌ای با شگردهای مختلف از بیمه کارگران ساختمانی استفاده می‌کنند.

به‌گفته مدیرکل تأمین اجتماعی غرب تهران، بحث بیمه کارگران ساختمانی مربوط به کسانی است که در ۱۸ رشته مختلف صنعت ساختمان مشغول به فعالیت هستند. در سال ۸۶ برای بیمه شدن این دسته از کارگران، قانونگذار شرایطی را پیش‌بینی کرد تا بتوانند از تسهیلات سازمان تأمین اجتماعی استفاده کنند.

ناهدید حیدری در ادامه می‌افزاید: بخشی از موضوع بیمه کارگران ساختمانی، به قانون سازمان بازرسی برمی‌گردد و بر اساس آن مادامی که ساختمانی در حال ساخت یا بازسازی است، مالک موظف است، کارگران را در برابر حوادث ناشی از کار بیمه کند.

بعدها با اصلاحاتی که در قانون صورت گرفت، بخش دیگری هم در این قانون دیده شد و مطابق با آن کلیه افرادی که در صنعت ساختمان مشغول به کار هستند در وهله اول باید مدرک مهارت فنی داشته باشند تا از طریق آن مشخص باشد که فرد در رابطه با آن رشته تخصص دارد، در وهله دوم انجمن صنفی باید بازرسی انجام داده و تأییدیه بدهد.

سپس فرد با درخواست شخصی می‌تواند بیمه شود. وی با بیان اینکه حق بیمه این دسته از کارگران تنها ۷ درصد است، ادامه می‌دهد: این حق بیمه ناچیز به فولی جذابیت‌هایی دارد و به همین علت، طبق حمایت‌های قانونی که سازمان تأمین اجتماعی برای جامعه هدف دارد، هزارچندگانی با درخواست‌های نامرغوبی مواجه می‌شومیم که توسط کارگرنماها برای دریافت مزایای مختلف بیمه، ارائه می‌شوند.

مدیرکل تأمین اجتماعی غرب تهران درباره نحوه برخورد با این افراد توضیح می‌دهد: یکی از وظایف ما این است که صحت اشتغال به‌کار متقاضی ثابت شود؛ زیرا رسالت قانونگذار این است که



عکس: بهروز نسوری

اصغر هم مانند سایر کارگران فصلی نگران آینده است. می‌گوید: «با دست درد و کمردردی که دارم در خوشبینانه‌ترین حالت تا ۱۵ یا ۱۶ سال دیگر می‌توانم کار کنم. نمی‌دانم بدون بیمه و پس‌انداز برای آینده در زمان از کار افتادگی چگونه باید امور زندگی خود و خانواده‌ام را بگذرانم. خانواده همسرم مدام از بچه حرف می‌زنند و می‌گویند ما زنده‌ایم دوست داریم نوه مان را ببینیم. اما آنها نمی‌دانند خون داخل دهانم را فوریت می‌دهم و با سیلی صورت‌م را سرخ می‌کنم تا کسی نداند چگونه روزم را شب می‌کنم.»

ته خط همه‌مان کارگری است!

### ■ ته خط همه ما کارگری است

در میان مردانی با قامتی تنومند، جوانی لاغر اندام جلب توجه می‌کند. بقیچه‌ای در دست دارد و کنار خیابان ایستاده است. برخلاف دیگران که هرکدام حرفی می‌زنند، سکوت پیشه کرده و سخنی نمی‌گوید. با فاصله از بقیچه ایستاده انگار می‌خواهد خود را از آنها جدا نشان دهد. آسش را می‌پرسم جوابم را نمی‌دهد. می‌گویم بیست سالت شده که راهی بازار کار شده‌ای؟ زیر چشمی نگاهم می‌کند. می‌پرسم نباید الان سرکلاس درس باشی، اینجا چکار می‌کنی؟ در کسری از ثانیه صورتش قرمز می‌شود انگار خون به زیر پوستش دویده، قفل دهانش باز می‌شود. «درس خواندن سال از ما بهتره. برای امثال من فرقی نمی‌کنه که با هوش باشی یا با استعداد ته خط همه مان کارگری است آن هم التماسی. نمی‌بینی مردانی با این هیبت و هیأت چطور دنبال ماشین پولدارها می‌دوند که بتوانند دوزار بدست بیاورند. امروز ما را نبین در مدرسه جزو شاگرد زرنگ‌ها بودم، خودم چند تا شاگرد داشتم به آنها کمک می‌کردم که درس‌ها را خوب یاد بگیرند.»

از دلش برای رها کردن مدرسه می‌گوید: پدرم کارگری می‌کرد و خرج زندگی من و سه خواهر و مادرم را می‌داد. خرج زندگیمان می‌چرخید نه لاکچری اما در حد خودمان خوب بود و ما به همان لقمه بخور و نمیر پدر راضی و همیشه سپاسگزار بودیم. اصلاً همه انگیزه‌ام برای خوب درس خواندن جبران زحمات پدر و مادرم بود. می‌خواستم دکتر شوم تا کم‌تر در وپا در دیش را مداوا کنم اما یک روز وقتی از مدرسه برگشتم شیون مادرم خانه را برداشته بود. پدر وقت بالا بردن بیخجال از پله‌ها افتاده بود. دیگر ناقص شده و نمی‌تواند کار کند. مجبور شدم مدرسه را رها کنم. کاری هم که بلد نیستم اوستا محمد مرا آورد اینجا، پاتوق همیشگی پدرم تا جای پای او بگذارد اما من زورم نمی‌رسد که مانند او وسایل سنگین جابه‌جا کنم و باید کارهای خرد و سبک انجام دهم. همین است که در آمدم کم شده و زندگیمان به مشکل برخورد کرده است. اما همه بدبختی‌اش که این نیست مادرم می‌گوید کسی که برای معاش خانواده‌اش تلاش می‌کند و سختی نمی‌کشد و پول حلال درمی‌آورد مرد واقعی است کم و زیادش فرق نمی‌کند مهم حلال بودنش است. بدبختی اصلی این است که ما را به چشم خوبی نمی‌بینند. زنان و دختران و حتی بچه‌ها می‌ترسند از کنار ما عبور کنند راهشان را دور می‌کنند تا مبادا گزندی از ما به آنها برسد. انگار ما گودزینا هستیم اصلاً ترس در نگاه و رفتارشان دیده می‌شود.»

فکر می‌کنی چرا این طور شده چرا برخی از افراد جامعه با این دید به شما نگاه می‌کنند؟ او در جوابم از موضوعی تلخ می‌گوید. شاید در میان ما تعداد کمی افراد خلافکار هم باشند اما این به معنی بد بودن همه ما نیست. ما برای امرار معاش خانواده‌هایمان کار می‌کنیم و آدم‌های بدی نیستیم.»

نگرانی تأمین معاش خانواده و گذران زندگی در حال حاضر و در دوران ناتوانی بزرگ‌ترین دغدغه‌ای است که کارگران موقت با آن دست به گریبانند و قریب به اتفاق آنها آرزوی استخدام و بیمه در سر دارند.

کاری دست و پا کردم. کارکردن در ساختمان‌ها پول بیشتری داشت. چند کلاس بیشتر درس نخواندم اصلاً کارگری و درس خواندن باهم جور در نمی‌آید. وقتی از صبح تا شب مجبور باشی آجر جابه‌جا کنی و کیسه سیمان و گچ را بالا و پایین ببری دیگر جانی برایت نمی‌ماند که بتوانی چند لقمه شام بخوری چه برسد به خواندن درس و رفتن به مدرسه شبانه. خیلی شب‌ها شام نخورده قبل از این که سرم به بالش برسد خوابم می‌برد اما خوشحال بودم که خرج خودم و پدر و مادرم پیرم را درمی‌آوردم. پدرم که به رحمت خدا رفت همه تلاشم را می‌کردم که مادرم راضی و خشنود باشد. تصمیم گرفته بودم برایش یک الگو بخرم اما همیشه هشتم گروه نه بود دست آخر هم توانستم یک شب خوابید و صبح دیگر بیدار نشد و مرا تنها گذاشت.»

برادرانش آنقدر روی زمین مردم کار کردند تا نوانستند برای خود قطعه زمینی بخرند اما کارگری برای او نه نان داشته و نه آب. دست آخر هم مجبور شده به امید یافتن کاری پردرآمدتر راهی پایتخت شود. دو سال پیش از دواج کرده اما راضی نیست. او می‌گوید: «نه این که همسرم زن بدی باشد نه خیلی هم نجیب است و دوست داشتنی تا به امروز با هم مشکلی نداشتیم اما من شرمندهم از این که نمی‌توانم برای او زندگی مناسبی فراهم کنم و حتی برای رفع برخی از نیازهای ساده زندگی هم دچار مشکل هستم اصلاً همیشه نگرانم. هر روز غصه می‌خورم. یک روز کار هست، چند روز کار نیست. باید بدوی به دنبال افرادی که به دنبال کارگری می‌آیند چون امثال من زیادند و هر روز بیشتر هم می‌شوند.»

بازوی خوب و مهارت لازم را دارند انتخاب می‌کنم و با خود به محل ساختمان می‌برم. گاهی برخی از آنها آنقدر خوب کار می‌کنند و به حق خود قانع هستند که تا چند ماه هم با هم کار می‌کنیم. بیشتر آنها به دنبال بیمه و... نیستند. آنها کارگران زحمتکشی هستند که به درآمد روزانه خود بیشتر اهمیت می‌دهند. بیشترشان هم تنها در این شهر زندگی می‌کنند و با دردمرغی و بیماری زن و همسر روبه رو نیستند. این معامله دو سر سود است. آنها از سرگردانی در سر چهارراه‌ها و خیابان‌ها نجات پیدا می‌کنند و خیالشان راحت می‌شود. که تا چند روز کار دارند و حقوقشان سر موقع پرداخت می‌شود، من هم خیالم راحت است که می‌توانم برای آینده بچه‌هایم پولی پس‌انداز کنم.»

### ■ خواب و خوراک بر من حرام شده

به اینجا که می‌رسد قیافه‌ای حق به جانب به خود می‌گیرد و می‌گوید: البته فکر نکنید که من زحمت زیادی نمی‌کشم. ترس اینکه مبدا یکی از آنها هنگام کار دچار مشکلی شود خواب و خوراک را بر من حرام کرده. حتی بعضی از شب‌ها کابوس افتادن کارگری از داربست را می‌بینم. خلاصه که من از جان و اعصابم مایه می‌گذارم برای بدست آوردن یک لقمه نان بیشتر. فقط خدا می‌داند که چقدر تنم می‌لرزد و چقدر نگران سلامتی این بندگان خدا هستم. این گفت‌وگو را در حالی به اتمام می‌رسانم که برای آگاهی از مشکلات کارگران موقت با تعدادی از انبوه‌سازان تماس گرفتم اما با یک پاسخ مواجه شدم و آن اینکه با کارگران در ارتباط نیستیم و از مشکلات آنها اطلاع چندانی نداریم و مسائل مربوط به آنها را به پیمانکار سپرده‌ایم.

## زنان برای تفنن کار نمی‌کنند

دستمزدی کمتر از استانداردهای قانونی به عهده می‌گیرند. عموماً زنان در روند اجتماعی شدن در نظام مردسالار آموخته‌اند که مطیع‌تر و قانونماتر از مردان رفتار کنند. به عبارتی این‌انفعال و مدارا در روند جامعه‌پذیری و به اشکال مختلف به دختران آموخته شده و به شکل سیستماتیک در آنها نهادینه می‌شود.

اما آن روی سکه این واقعیت تلخ آن است که کارفرما از این خصلت نهادینه شده، نهایت بهره‌برداری اقتصادی را می‌برد.

زنان و دختران جامعه ما به تدوین قوانین و برنامه‌هایی که توانایی زنان را احیاء کرده تا در موقعیتی برابر با مردان قرار گیرند نیاز مبرم دارند. برای این که بتوانیم زنان جامعه را در بخش‌های مختلف صنعت، کشاورزی و خدمات توانمند کنیم بایستی در ابتدا تبعیض‌هایی را که در زن فرهنگی جامعه رخنه کرده است با حساسیت افکنی و آگاهی‌سازی متوقف کنیم و از سوی دیگر ترتیبی اتخاذ گردد که نهادهای اجتماعی در حوزه کار و اشتغال زنان جامعه را در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در سیاست‌های کاری مشارکت دهند.

به دنبال بهترین و پردرآمدترین شغل بلکه اوضاع سخت اقتصادی جامعه او را به سمت امن‌ترین محیط‌های کاری سوق داده است. بدیهی است که در شرایط موجود شانس زنان در به دست آوردن مشاغل شایسته‌تر بشدت کاهش پیدا می‌کند. در واقع مشاهده می‌کنیم که نداشتن امنیت روانی باعث می‌گردد که دستمزد برای زنان در اولویت‌های بعدی قرار می‌گیرد.

در نگاه سنتی این تفکر به شکل ضمنی در جامعه تقویت شده است که جایگاه اصلی زنان کار در خانه و ماندن در کنار همسر است و این امر اولویت اصلی زنان خواهد بود و اگر شاهد فعالیت آنان در محیط اجتماعی و اقتصادی هستیم، این واقعیت می‌تواند لطف و موهبتی اجتماعی باشد که از طرف نظام مردسالارانه به زنان جامعه اعطا شده است.

بر این اساس وقتی زنی سر کار می‌رود این الگوی ناپرهانی ایجاد می‌شود که از زنان در محیط کاری ناپیستی انتظار خلاقیت و شکوفایی داشت زیرا تنها حفظ موقعیت موجود برایشان کافی خواهد بود.

آنچه بیش از همه تأسفاتر است پذیرش این نگاه تبعیض‌آمیز از سوی زنان جامعه است که مشاغل مختلف در حوزه‌های خصوصی و خدماتی را با

بنیادی‌ترین جداسازی در جامعه تفکیک جنسیتی است و همه انسان‌ها از بدو تولد با این تفکیک اجتماعی روبرو خواهند شد در واقع نقش‌ها، وظایف و بطور کلی امتیازات انسانی بر اساس این ویژگی فیزیولوژی تقسیم

### یادداشت



مصطفی‌آب روشن  
جامعه‌شناس

می‌شود لذا تعجیبی ندارد که نابرابری‌ها هم بر اساس این فرضیه غلط آغاز گردد. گفتنی است که زنان در همه جای دنیا همزادی به نام نابرابری را با خود به همراه دارند.

بر این اساس در هیچ کشوری از جهان برابری دستمزد بین زنان و مردان رعایت نمی‌شود. نابرابری حقوق پرداختی میان زنان و مردان نه تنها بهبود پیدا نکرده است بلکه بر اساس اعلام مؤسسه آکسفام، الگوی فعلی اقتصاد جهانی به سمت نابرابری بیشتر حرکت می‌کند.

مطالعات ما را به این نتیجه می‌رساند که بسیاری از مشاغل خصوصی و خدماتی به سمت زنانه شدن پیش می‌رود. در واقع بخش اعظمی از زنان و دختران با حقوق و دستمزد ناچیز به خدمت گرفته می‌شوند و از حقوق اولیه مصرح در قانون کار محروم و بی‌بهره‌اند.

این گونه زنان نه تنها در معرض اجحاف بیشتری در محیط کار قرار می‌گیرند بلکه علاوه بر اینها در صف اول اخراج‌ها نیز قرار دارند.

متأسفانه از منظر فرهنگی نگاه غالب بر جامعه این است که خانم‌ها بیشتر در خانه پدری زندگی می‌کنند و یا در صورت ازدواج به‌عنوان نان آور اصلی خانه محسوب نمی‌گردند لذا خرج و مخارج بالایی ندارند و کار جنبه تفنن و سرگرمی برای آنان دارد در حالی که این نگاه غلط مبنای تبعیض علیه زنان در محیط‌های کاری را فراهم کرده است.

نکته بعدی نگاه جنسیت زده جامعه نسبت به زنان است که این واقعیت تلخ باعث می‌گردد که زنان نه



کارگری